

معرفی و نقد کتاب
((جهاد الشیعه فی العصر العباسی الاول)) (1)
 محمد حاجی تقی(*)

فصلنامه تاریخ اسلام - شماره 8 - زمستان 80

نقش تشیع در باروری فرهنگ اسلامی و شکل دهی شاکله تمدن اسلامی، برجسته و غیر قابل انکار است؛ تشیع خصوصاً با تنوع فرقه ای خود و سه مذهب عمده اثنی عشریه و اسماعیلیه و زیدیه، نقش محوری و اساسی در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اواخر دوره اموی و استقرار خلافت عباسی تا پایان عصر اول خلافت داشته است. این نقش در عصر اول عباسی در قالب نهضت‌ها و جنبش‌های نظامی؛ تشکیل حوزه‌های علمی، تعالیم مخفی و سازمان دهی فرقه ای تبلور یافت؛ که در این میان قیام‌ها و نهضت‌های متوالی شیعیان زیدی، مسئله اصلی خلفای عصر اول عباسی بود و تمام هم و توان ایشان را متوجه خود کرده بود. این حرکت‌ها و قیام‌ها نقش برجسته ای در شکل دهی به جریان‌های تاریخی عصر مذکور داشته است.

با این وصف، جای تعجب است که پژوهشی به زبان فارسی راجع به نهضت‌های شیعی این دوره، موجود نیست و خلأ بزرگی در این مقطع مهم و طولانی تاریخ اسلام وجود دارد. کتاب جهاد الشیعه فی العصر العباسی الاول تألیف دکتر سمیره مختارلیثی از اساتید و دانش پژوهان مصری (2) تنها پژوهش مستقل عربی در این باره است که به خاطر قوت و استحکام علمی و رعایت استانداردهای تحقیق، در سال 1363 ه. ش برای جبران این کمبود و نقیصه در تاریخ اسلام، در ایران چاپ و نشر شد.

موضوع کتاب جهاد الشیعه فی العصر العباسی الاول بررسی و تجزیه و تحلیل نهضت‌ها و جنبش‌های سیاسی و نظامی و عقیدتی شیعیان از آغاز خلافت عباسیان تا پایان عصر اول عباسی (سال 232ه. ق) است، لیکن نهضت‌های شیعی از سال 100ه. ق به بعد را نیز به عنوان زمینه‌ها و بستر حرکت‌های عصر عباسی به تفصیل مورد بحث و مذاقه قرار داده است.

دکتر لیثی معتقد است: مفهوم جهاد شیعه تعبیری راستین از روح و جوهره تشیع است که این جوهره در گونه‌های مختلف جهاد مستمر نظامی، دینی، فکری و اجتماعی شیعه تجلی یافته است، لیکن تعالیم و اندیشه‌های اعتقادی شیعه به شکل جنگ‌های مسلحانه در تاریخ تبلور یافته است. (3)

از این جهت نویسنده، محور بخش‌ها و فصل‌های کتاب را نهضت‌ها و قیام‌های شیعی در عصر مذکور قرار داده و به رغم این که ایشان حیات فکری، دینی، علمی و اجتماعی شیعه را از صور جهاد شیعه تلقی می‌کند، به فرقه‌هایی از شیعه که فاقد تحریک نظامی بوده، لیکن از حیات فکری و فرهنگی برجسته ای برخوردار بوده اند، در حاشیه و در رابطه با حرکت‌های انقلابی شیعه می‌پردازد.

دکتر لیثی با استفاده از حجم انبوهی از منابع (4) و با نگاهی تحلیلی و فلسفی به تاریخ و با استنادات دقیق و جامع و چینش منطقی و محققانه و با نثری ساده و روان و جذاب، به دور از اغلاق و پیچیدگی، به بازآفرینی تحسین برانگیزی از تاریخ جنبش‌ها و نهضت‌های شیعی در بستر حیات سیاسی، دینی و فکری جهان اسلام در دوره مذکور پرداخته است. وی در این کتاب در صدد است که اثبات کند جهاد شیعه، زاده آزادی رای و عقیده در تفکر اسلامی است که توانسته است نقش برجسته ای در باروری و تعالی تمدن اسلامی داشته باشد. شکل‌گیری دولت فاطمیان و ثمرات علمی - فرهنگی این دولت، بخشی از این نقش می‌باشد.

کتاب جهاد الشیعه مشتمل است بر پنج بخش و بیست و دو فصل، به قرار ذیل:

بخش اول کتاب، تحت عنوان موضع شیعه در قبال دولت عباسی است که در فصل اول معانی و مفاهیم شیعه و دیدگاه‌های گوناگون راجع به ظهور مذهب تشیع، شرح و بسط شده است. نویسنده معتقد است قبل از حادثه کر بلا

مفهوم ((شیعه)) به یاران و انصار و اتباع اطلاق می‌شود، نه به يك فرقه و یا يك حزب با آرا و عقاید و تشکیلات فرقه‌ای. لیکن بعد از حادثه کربلا ((شیعه)) به عنوان فرقه‌ای دینی با آرا و عقاید سیاسی و دینی متمایز از اهل تسنن ظهور کرد و تبلور و مظهر و مصداق آن قیام توابین و مختار و نضج‌گیری فرق امامیه و کیسانیه است. تأکید محقق بر قیام توابین و مختار که ماهیتی نظامی و صبغه جهادی دارند، به عنوان نقطه آغازین شکل‌گیری مذهب تشیع، ناشی از زاویه‌نگرش محقق و موضوع تحقیق که بررسی جنبش‌های نظامی و جهادی شیعه است می‌باشد. شواهد و مدارك زیادی بر نضج‌گیری مذهب تشیع با اصول و مبادی دینی و سیاسی مستقل از جماعت در دوره‌های قبل وجود دارد. (5) لیکن اگر از منظر حرکت‌های نظامی و حزبی، نه فرقه‌ای به تشیع نگاه کنیم، نظر نگارنده درست است. نویسنده در ادامه به معرفی حرکت‌های شیعی در عراق و فرقه‌های امامیه و کیسانیه به عنوان پشتوانه‌های ایدئولوژیک این حرکت می‌پردازد.

در فصل دوم از بخش اول در تحلیل نقش قیام‌های شیعی در سقوط دولت اموی، با نگاهی نقادانه میزان سهم هر يك از حرکت‌های شیعی اعم از کیسانیه و میراث ابوهاشم، قیام زید و یحیی و عبدالله بن معاویه (بین سال‌های 100 تا 130 هـ. ق) در تکوین و گسترش و تحقق دعوت عباسی بیان گردیده و از زوایای مختلف، ماهیت این قیام‌ها و موضع و نقش عباسیان در مورد این حرکت‌ها تشریح شده و تأثیر منفی و مثبت جنبش‌های مذکور در دعوت عباسی و بالعکس مطرح شده است. نقش قیام‌های مذکور در سقوط دولت بنی‌امیه و شکل‌گیری نخله‌ها و حرکت‌های آینده تشیع از مباحث دیگر این فصل است که به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

مؤلف در سه فصل دیگر ابتدا تحولات روابط بین بیوت علوی و عباسی را با ارائه تاریخچه بیت عباسی و تحولات مناسبات ایشان با آل‌زبیر، بنی‌امیه، بنی‌مروان و علویان از عباس تا منصور بررسی کرده، سپس مبنای مشروعیت عباسیان را از دیدگاه خود و پیروان‌شان مستند به خطبه‌ها، اشعار و گفتارهای منعکس شده در منابع، تشریح نموده است.

مبحث بعدی معرفی افکار و آرای دینی و سیاسی فرقه‌های سبئی، کیسانیه، هاشمیه، بیانیه، زیدیه و فرقه‌های منشعب از آن چون جارودیه، سلیمانیه، صالحیه و تبریه به عنوان بنیان‌های فکری و عقیدتی حرکت‌های نخستین شیعی در عصر اول عباسی می‌باشد. در نهایت مبحثی را به معرفی شخصیت ابوسلمه، تلاش‌ها و انگیزه‌های وی در انتقال خلافت به علویان اختصاص داده و سپس به تحلیل نتایج آرا و آثار قتل ابوسلمه پرداخته است.

بخش دوم تحت عنوان ((جهاد شیعیان زیدی و امامی در عصر خلیفه عباسی منصور)) شامل عناوین ذیل می‌باشد: قیام محمد نفس‌زکیه و ابراهیم بن عبدالله و موضع امام صادق (ع) و شیعیان امامی نسبت به منصور، رویارویی فکری شیعیان با عباسیان و دیدگاه‌ها و موضع‌گیرهای ابوحنیفه و مالک بن انس نسبت به این دو جریان فکری، نگارنده در معرفی قیام محمد نفس‌زکیه، به عنوان برجسته‌ترین حرکت ضد عباسی در دوره مذکور، به بازسازی، تحلیل و بررسی نقادانه روایات موجود می‌پردازد و با استناد به این روایات ابتدا به معرفی شخصیت و موقعیت علمی و سیاسی نفس‌زکیه پرداخته، سپس زمینه‌ها و بستر قیام وی را به تفصیل بیان می‌دارد. موضع و عکس‌العمل منصور و اقدامات او در مقابله با نهضت نفس‌زکیه، مبحث دیگر این فصل است.

در ادامه نویسنده با طرح مکاتبات منصور و محمد نفس‌زکیه، به معرفی دیدگاه‌های ایشان راجع به اساس مشروعیت قیام نفس‌زکیه می‌پردازد. بررسی میزان پراکندگی دعوت محمد نفس‌زکیه عنوان دیگر این مبحث می‌باشد.

کالبد شکافی دقیق موضع طبقات و گروه‌های اجتماعی جامعه اسلامی در برخورد با قیام محمد نفس‌زکیه اعم از شرکت‌پیشوایان بزرگ فرقه‌های اسلامی، مانند مالک بن انس و ابوحنیفه و علمای بزرگ عصر خصوصاً علمای مدینه در این قیام، بررسی نقش قبایل حجاز و موضع و میزان حمایت هر يك از قبایل از نفس‌زکیه، نقش حاکمان عباسی مدینه و بزرگان شهر در حمایت و پشتیبانی قیام نفس‌زکیه از دیگر فصول این بخش است. در نهایت مؤلف به ارائه تصویری جامع از روند شکل‌گیری، تحقق، گسترش و سرکوبی قیام نفس‌زکیه می‌پردازد.

فصل دیگر این بخش به تشریح قیام ابراهیم بن عبدالله اختصاص دارد که در آن عناوین، شخصیت و پایگاه اجتماعی

ابراهیم، دلایل گزینش شهر بصره از جانب ابراهیم به عنوان مرکز قیام، گستردگی و پراکندگی دعوت وی و علل آن، خصوصا در عراق و ایران مورد بحث قرار می‌گیرد. سهم فرقه‌ها و نحله‌های بلاد اسلامی در تأیید و حمایت از دعوت ابراهیم به ویژه زیدیان، حنفیان، مالکیان و فقهای بصره از مباحث دیگر این فصل می‌باشد که متعاقب آن نهضت ابراهیم و پیامدهای آن خصوصا برای طیف فقها، علما و محدثان بزرگ آن عصر، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت مولف به تجزیه و تحلیل مشروح عوامل سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی شکست نهضت محمد و ابراهیم می‌پردازد.

نویسنده در مبحث موضع امام صادق(ع) و شیعه امامیه نسبت به منصور، به معرفی حیات و شخصیت علمی و سیاسی امام صادق(ع) و آرا و عقاید امامیه، همچنین بررسی موضع‌گیرهای امام در مورد قیام‌های علوی در دوره اموی و عباسی پرداخته است.

نگارنده با طرح مسئله عدم مشروعیت قیام نفس زکیه از نظر امام، به بررسی نقش و جایگاه امام در این قیام پرداخته است و به حمایت‌های عملی امام از محمد نفس زکیه اشاره می‌کند که از آن جمله است: اجازه ایشان به فرزندانش موسی و عبدالله برای شرکت در نهضت و پناه دادن به حسن بن زید و یحیی بن عبدالله از سران علوی قیام که باعث شدت عمل منصور نسبت به امام و تبعید ایشان می‌گردد. وی سرانجام نتیجه‌گیری می‌کند امام، بستر و اوضاع را برای اقدامات نظامی، مناسب تشخیص نمی‌داده و اقدام به آن را مایه ظلم و تضییق بیشتر عباسیان بر علویان می‌دانسته، از این رو شیوه امام خوض در مسائل علمی و عبادی، و کناره‌گیری از ورود به نزاع‌های سیاسی عصر بوده است. وی عمده‌ترین آرای سیاسی امام را امامت به نص، عصمت و علم امام، تقیه، عدم طعن بر عمر و ابوبکر و غاصب بودن بنی‌امیه و بنی‌عباس می‌داند.

بخش سوم به جهاد شیعیان در عصر دو خلیفه مهدی و هادی اختصاص دارد و به عنوان مقدمه به تحولات فرقه‌ای شیعیان در این عصر و انشعاب دو فرقه اصلی اثنی‌عشریه و اسماعیلیه از فرق امامیه اشاره می‌کند و سپس به معرفی آرا و عقاید اسماعیلیان، تشکیلات حزبی، تحولات و انشعابات درون فرقه‌ای و تأثیر و تأثرات سیاسی ایشان تا آخر عهد اول عباسی پرداخته است.

خلافت مهدی و سیاست رفق و مدارای وی با علویان، موضع شیعیان زیدی نسبت به مهدی و حرکت‌های ضد عباسی عیسی بن زید و علی بن عباسی و موضع امام موسی کاظم(ع) نسبت به مهدی، از دیگر مباحث این بخش است.

تشیع یعقوب بن داود، وزیر مهدی خلیفه عباسی و تلاش او برای انتقال خلافت به علویان، عنوان فصل دیگر این بخش است که در آن به بررسی ساختار دیوان سالاری عباسی و جایگاه ایرانیان در آن را بررسی کرده، به معرفی وزارت یعقوب بن داود به عنوان مصداق این جایگاه می‌پردازد.

قیام حسین بن علی در عهد خلافت هادی، آخرین عنوان این بخش است که با معرفی این شخصیت علوی به بررسی مستند زمینه‌های شکل‌گیری قیام در مدینه، موضع امام موسی کاظم(ع) نسبت به قیام، فلسفه قیام و عوامل سرکوب سریع آن را مستندا بررسی می‌کند.

در بخش چهارم، مولف با بررسی سیاست هارون الرشید نسبت به علویان، به معرفی دو قیام یحیی و ادريس بن عبدالله و ارتباط آنان با برامکه و نتایج این دو قیام می‌پردازد و سعی دارد سوالات ذیل را پاسخ دهد: چه عللی سبب گردید یحیی وارد معامله با هارون شود؟ آیا رشید در قولش صادق بود؟ چرا او به عهد و پیمان‌ش وفا نکرد؟

دکتر لیثی با استناد به منابع به این سوالات پاسخ می‌دهد. در صفحات آتی این پرسش‌ها را نقد خواهیم کرد. در فصل بعدی سیاست هارون الرشید را در دو مرحله معرفی می‌کند:

مرحله اول سیاست تسامح و نیکی به علویان و مرحله دوم، سیاست شدت و سخت‌گیری نسبت به ایشان است که برای نمونه می‌توان سخت‌گیری نسبت به امام موسی کاظم(ع) و زندانی کردن او را ذکر کرد.

در مرحله بعد به سوالات ذیل می پردازد که آیا هارون الرشید مجبور به اتخاذ سیاست سختگیری بود؟ این سیاست از جانب خود او بود یا رجال دولتش؟ آیا در سیاست خود موفق بود؟

قیام ادریس بن عبدالله در بلاد مغرب و پیامدهای نهضت وی، از دیگر فصول این بخش می باشد.

در فصل بعد سیاست هارون الرشید نسبت به شیعه و امام موسی کاظم(ع) و مواضع گوناگون و گاه متضاد وی در مورد شیعیان و زعمای ایشان از جمله عبدالله بن حسن، محمد بن یحیی، عباس بن محمد و موسی بن جعفر را جداگانه بیان داشته و سیاست ها را به استناد منابع، تجزیه و تحلیل می کند و در نهایت به نقد و بررسی گزارش های روابط بین برامکه و علویان و شیعیان پرداخته است و با جرح و تعدیل این گزارش ها سعی در بازسازی منطقی آن دارد.

بخش آخر درباره انقلابات شیعه در عهد مأمون و معتصم است که با مقدمه ای در مورد اوضاع سیاسی جهان اسلام و وضع شیعیان در عهد کوتاه امین شروع می گردد و با قیام ابن طباطبا و ابوالسرایا ادامه می یابد. در این فصل به طور مستند زمینه قیام ابن طباطبا، مناسبات ابوالسرایا با ابن طباطبا و محمد بن محمد بن زید، جانشین ابن طباطبا و گستردگی قیام و اقدامات ابوالسرایا و علویان، طی دوره حاکمیت شان بر بصره، کوفه، واسط، حجاز و یمن، نیز عوامل شکست ابوالسرایا و فلسفه قیام وی پرداخته است. در ادامه موضع نصر بن شیبث نسبت به علویان را بررسی کرده است. دیگر جنبش علوی، قیام محمد دیباج است که با ذکر علل قیام و بازآفرینی حکومت او در حجاز، به فرجام وی و تجزیه و تحلیل عوامل شکست قیام می پردازد.

بحث بعدی بررسی ولایتعهدی امام رضا(ع) و عکس العمل شیعیان نسبت به آن است. نگارنده دیدگاه های مطرح راجع به انگیزه های مأمون در طرح مسئله ولایتعهدی و واکنش علی بن موسی الرضا(ع) و شیعیان را ذکر نموده و دیدگاه خود را به طور مستند تشریح کرده است. وی در نهایت به جرح و تعدیل روایات فرجام کار امام رضا(ع) و فضل بن سهل و ارائه فرضیات خود در این باره می پردازد.

عنوان فصل دیگر، قیام علی بن محمد بن جعفر صادق و ابی عبدالله برادر ابوالسرایا است. دکتر لیثی قیام علی بن محمد را در کوفه نمونه بارز دیدگاه منفی شیعه راجع به ولایتعهدی می داند زیرا که در قیام علی بن محمد شیعیان با قوای عباسی علیه برادر علی بن موسی عباس بن موسی که جهت عهده داری حکومت آن جا آمده بود، جنگیدند. (6)

سپس به بررسی زمینه ها، عوامل و پیامدهای قیام های شیعی در یمن می پردازد. این قیام ها عبارتند از: قیام ابراهیم بن موسی کاظم(ع) و قیام عبدالرحمن احمد العلوی.

در فصل بعد مولف به معرفی تحلیلی قیام محمد بن قاسم در عهد خلیفه معتصم می پردازد و در نهایت اوضاع شیعیان را در عهد خلیفه واثق توضیح می دهد. دکتر لیثی در خاتمه کتاب به معرفی عوامل استمرار جهاد شیعه در گستره تاریخ پرداخته و نتیجه می گیرد به یمن این قیام ها تشیع در شهرهای بزرگ اسلامی انتشار یافت و شیعه نقش برجسته ای را در تمدن اسلامی ایفا کرد. وی معتقد است حرکت های شیعی به رغم تنوع و گوناگونی، هدف مشترکی را دنبال می کرد که حقانیت بیت علوی برای خلافت اسلامی و اسقاط خلافت عباسی و تحقق خلافت علوی می باشد. در مرحله آخر دکتر لیثی علل استمرار نهضت های شیعه در عصر اول عباسی را به شرح ذیل معرفی می کند:

1. فرقه های متعدد شیعه و گسترش ایشان در پهنه جهان اسلام.
2. تقیه و دعوت سری در تعالیم شیعی.
3. حب مسلمانان به آل بیت رسول الله(ص) خصوصا بیت علوی.
4. مرجعیت و اعتبار والای بیت علوی در علم و ادب به عنوان وارثان علم نبی و انبیا(علیهم السلام).
5. باز بودن باب اجتهاد در تفکر شیعی.
6. سازگار شدن تعالیم شیعه با فرهنگ و تمدن اقوام گوناگون.

کتاب جهاد الشیعه علاوه بر مزایا و امتیازاتی که در معرفی بخش های کتاب بدان اشاره شد، همچون دیگر تحقیقات علمی، از معایبی برخوردار است که در ذیل به این کاستی ها اشاره می شود:

1- در صفحه 63 عبارت ((و بدی منذ مطلع العصر العباسی الاول صراع عنيف بين البيتين العلوی و العباسی منذ قیام الدوله الامویه سنه 40 هـ. الی سقوطها سنه 132هـ)) اشکال دارد و عبارت ((منذ قیام الدوله الامویه...)) بایستی چنین باشد: منذ قیام الدوله العباسیه سنه 132 الی 232 هـ. ق نهایه العصر العباسی الاول.

2- در مبحث قیام شیعی به رهبری عبدالله بن معاویه در نه مورد قیام عبدالله بن معاویه، حر کتی علوی(7) و شخص وی يك علوی معرفی شده است. (8) در حالی که نسبت عبدالله، به جعفر بن ابیطالب می رسد و نگارنده از باب مسامحه در تعبیر، او را یکی از علویان دانسته، لیکن ((طالبی)) تعبیری عام برای فرزندان ابوطالب است و ((علوی)) تعبیری عام برای فرزندان علی(ع)، همان گونه که نسبت ((عباسی)) خاص فرزندان عباس بن عبدالمطلب است. (9)

3- ((بدي ابومسلم رو حا شعوبیه متطرفه... حتی انه قتل ستمانه الف عربی صیرا بالسيف عدا من قتل فی الحرب...)) (10)

((... الی جانب شعوبیه و قسوته ((ابومسلم)) و ما اقدم علیه من اضهاد للعناصر العربیه... مما حفلت به المصادر العربیه القدیمة)). (11)

عبارات فوق در کتاب جهاد الشیعه تبیین دیدگاه دکتر لیثی نسبت به ابومسلم بر مبنای دو اصل می باشد: (ا) تعصب شعوبی گری مغرط ابومسلم.

(ب) کشتار اعراب.

مستندات دکتر لیثی در دیدگاه های فوق تاریخ طبری، تاریخ فخری و تاریخ بغداد است، لیکن بررسی این مستندات نتایج ذیل را در بر داشته است:

(ا) در هیچ يك از این سه کتاب به تعصب شعوبی گری ابومسلم اشاره ای نشده است. (12)

(ب) مصدر روایات فوق در کشتار اعراب تاریخ بغداد است که اصل روایت آن مأخوذ بلاذری و طبری است. روایت در تاریخ طبری از این قرار است: ((و کان ابومسلم قد قتل فی دولته و حروبه ستمانه الف صبرا.)) (13) بغدادی به روایت طبری اولاً ((عربی)) را اضافه کرده ثانیاً طبری جمع کشته شدگان چه در جنگ هایش و چه در دولتش را 000/600 نفر عنوان می کند، لیکن بغدادی فقط اعراب کشته شده در دولتش را این رقم می داند. با توجه به منشا روایت، تحریفات راه یافته در روایت روشن است.

به علاوه در تاریخ فخری نیز اشاره ای به کشتار اعراب و ظلم و ستم به ایشان یافت نمی شود (14) که نشان می دهد دکتر لیثی فرضیه خود را بدون رجوع به این منابع و تحت تاثیر متفکران عرب مطرح کرده است. در واقع این نظر به که نهضت عباسی، نهضت شعوبی علیه اعراب بود، نظریه ای کهنه و مطرود است و واقع امر آن می باشد که هر چند ایرانیان در نهضت عباسی نقش برجسته ای را ایفا کردند، اما عرب ها کنار ایشان و بعضاً در موقعیت های رهبری، حضوری فعال داشته اند. (15) سر این که منابع نهضت عباسی را در مقابل اعراب قرار داده اند:

یکی ویژگی ضد اموی نهضت عباسی به عنوان يك دولت خالص عربی و دیگری بافت جمعیتی خراسان بوده است. شمار کثیری از اعراب مهاجر به خراسان، در شهرها و روستاهای خراسان مستقر گردیدند و با جمعیت بومی درآمیختند و به تدریج در فرهنگ ایرانی مستحیل شدند و شماری دیگر موجودیت قبیله ای و عربی خود را حفظ کردند. اینان اعرابی بودند که در امور سیاسی و نظامی دخالت مستقیم داشتند و به نوبت تحت عنوان حاکمان اموی، قدرت را در خراسان به دست گرفتند، در حالی که عمده پیروان و هواداران نهضت عباسی از بین شهرنشینان و روستاییان خراسان بودند. از این رو استحاله ایشان و دشواری تمایز نژادی بین عرب و فارس در این منطقه سبب گردید رویارویی ایشان با قبایل عربی، به اشتباه يك نهضت ایرانی تعبیر گردید. (16)

4- دکتر لیثی در بحث از اساس نهضت حسین بن علی(ع) می نویسد: ((ولم یقم الحسین معارضة علی اساس انه

وارث لعلی او زعیم بیت العلوی و لکن کواحد من ابنا المهاجرین الذین اعترفوا انفسهم ((ولاه الامر)). (17) این نظریه مأخوذ از کتاب الدوله العربیه الاسلامیه اثر دکتر خربوطلی است و او نیز از نسخه خطی به نام الاعلام بالحروب الواقعه فی صدر الاسلام نقل کرده است. (18) نویسندگان مذکور نظریه خود را بر سه اصل استوار ساخته اند:

(ا) مهاجران و فرزندان شان خود را ولاه امر می دانسته اند.

(ب) حسین بن علی(ع) به عنوان یکی از ولاه امر قیام کرد.

(پ) استراتژی امام در اتخاذ این سیاست، اتحاد با دیگر مهاجران علیه یزید بود. (19)

شاید بتوان رویارویی مدینه با شام را که منجر به واقعه حره شد، بامسامحه در تعبیر، تبلور ادعاهای مهاجران به عنوان ولاه امر دانست که البته در آن دوره بسیاری از بزرگان مهاجران و فرزندان شان از ورود به سیاست به شدت اجتناب می کردند. برای مثال عبدالله بن عمر از عهد خلافت علی(ع) اعتزال الفتنه را اولی می دانست (20) لیکن راجع به نظر دوم و سوم هیچ سند و مدرک تاریخی، چه در خطبه ها و چه در روایات راجع به آن حضرت، مبنی بر قیام ایشان به عنوان یکی از ولاه امر چون دیگر مهاجران و به منظور جلب پشتیبانی و حمایت مهاجران وجود ندارد. اصولاً نقطه اتکای حسین بن علی کوفه و عراق بود و مدینه و مکه جایگاهی در قیام وی نداشتند. به علاوه حرکتی از حسین بن علی (ع) مبنی بر طلب یاری از مهاجران در تاریخ وجود ندارد. (21)

5- نویسنده به اصول اعتقادات مذهب تشیع، به استثنا زیدیه، چون عصمت ائمه، انتظار مهدی، غصب حق علی(ع)، به عنوان آرای غلوآمیز و منحرف تاخته و آرای زیدیه را حرکتی جهت اعتدال نظریات افراطی شیعه معرفی کرده است. (22)

مأخذ سخن مولف الامام زید اثر ابوزهره است، لیکن نه ایشان و نه ابوزهره ملاک و معیاری برای مفاهیم منحرف و غالی ارائه نداده اند و درصدد اثبات این ادعا که آمیخته با طعن است، بر نیامده اند. (23) به نظر می رسد نگارنده در این رای تحت تأثیر گرایش های فکری مذهبی، از روش علمی که لازمه آن بی طرفی است، دور گردیده است.

6- دکتر لیثی در معرفی امام صادق(ع) مآورد: ((کان الامام جعفر - کما یذکر الشهرستانی ایضاً - معتدلاً فی آرائه فقد اعلن برآئه من القول بالرجعه و البدل و التناسخ و الغلو و الحلول و التشبیه)). (24) نگارنده در این جا تحت تأثیر اعتقادات مذهبی، از روش علمی تحقیق خارج گردیده است.

در برائت جستن امام از تناسخ، غلو، حلول و تشبیه، منابع سنی و شیعه متفقند، لیکن در مسئله رجعت (25) و بدلی (26) متون کهن امامیه احادیث متعددی را از امام صادق(ع) روایت می کند که این احادیث مبنای اعتقاد امامیه به این دو اصل گردیده است. (27) قول شهرستانی در قرن ششم و به عنوان نویسنده ای شافعی مذهب، به تنهایی نظر به دکتر لیثی را اثبات نمی کند و روایات منابع شیعی را در قرن سوم و چهارم نایستی نادیده انگاشت.

7- دکتر لیثی در مورد وفات امام صادق(ع) معتقد است که روایت مسمومیت امام قابل تأکید و اطمینان نیست. یکی از دلایل ایشان قول یعقوبی است: ((ان المنصور قد ابدى الما شدیداً حین علم بوفاه الامام الصادق(ع)، و بکی طویلاً حتی اخضلت لचितه بالدموع و وصف جعفرًا بانه کان ممن اصطفى الله و کان من السابقین بالخیرات.)) (28)

سیاست خلفای عباسی این بود که هرگاه يك علوی به دست ایشان کشته می شد، در ماتم او اشک می ریختند و او را به بزرگی یاد می کردند. نگارنده همین رفتار را از هادی، زمانی که سر حسین بن علی (شهادت فخر) را برای او آوردند نقل می کند (29) و سؤال می نماید که: آیا منصور و هادی در حزن شان برای اهل بیت صادق بوده اند و معتقد است هادی ((اراد ان یخفف من ثوره و سخط المسلمین علیه اذا غضبهم مصرع حفیه للرسول و لعلی بن ابی طالب)) (30) از این رو تظاهر خلفای عباسی به حزن و اندوه در مرگ علویان همان گو نه که دکتر لیثی معترف است، نمی تواند دلیلی بر تبرئه منصور از مسموم کردن امام(ع) باشد.

8- بحث عصمت ائمه(ع) از دیگر مباحثی است که دکتر لیثی متعرض آن می گردد و عقیده دارد که منشأ آن سیاسی است نه دینی. دلایلی را که برای آن ارائه می دهد، از این قرار است:

آغاز بحث عصمت در عهد امام صادق(ع) می باشد؛ یعنی زمانی که شیعه بحث کلامی امامت را در مقابل خلافت

مطرح کرد و عصمت و امامت دو جزء جداناپذیر از یکدیگرند و امامت مبحثی سیاسی است. از این رو عصمت نیز به پیرو آن سیاسی است.

در نقد نظریه مولف باید گفت اولاً نظریه سیاسی بودن بحث امامت، نظریه سیاسی بودن مذهب تشیع است، لیکن شواهد و مستندات زیادی در سنت و حدیث وجود دارد که امامت از اصول دین اسلام معرفی شده است. (31) ثانیاً کهن ترین روایتی که از بحث عصمت در دست است، به عهد امام زین العابدین (ع) بر می گردد، نه عهد امام صادق (ع) (32)، لیکن فضای مساعد سیاسی و فرهنگی عهد امام صادق (ع) به رواج این تفکر کمک شایان کرد. (33)

9- ((فلا نعلم فقهاً خاصاً لموسى الكاظم كما لم يكن له دور كلامى فى عقايد الامامية و لم يرد عنه روايات احاديث تذكر)) (34).

در این متن دکتر لیثی منکر هر گونه نقش فقهی، کلامی امام کاظم (ع) در فقه و کلام شیعه می شود. مآخذ این نظر عقیده دکتر علی سامی نشار در کتاب نشأه الفكر الفلسفى فى الاسلام)) است، لیکن هر دو منبع ادعایشان سخت بی پایه و اساس است.

از امام موسی کاظم (ع) مجموعه غنی از احادیث و روایات موجود می باشد. (35) اذعان دکتر لیثی به روایات مروی از موسی کاظم (ع) در جای دیگر کتاب (36) این نکته را به ذهن متبادر می کند که نقل این مطلب از کتاب دکتر سامی نشار بدون تعمق و ناشی از بی دقتی و سهل انگاری است.

10- دکتر لیثی در ماجرای یحیی بن عبدالله علوی و هارون الرشید دو سؤال مطرح می کند:

الف) آیا هارون الرشید در امانی که به یحیی داد، صادق بود؟

ب) چه مسئله ای سبب گردید هارون از سیاست ملایم خود نسبت به یحیی عدول کند؟

دکتر لیثی معتقد است هارون در امان خود صادق بود و اطرافیان دیدگاه وی را نسبت به یحیی تغییر دادند. ادله وی از قرار ذیل است:

الف) وجدان مسلمانان از ظلم و ستم عباسیان به اهل بیت رسول (ص) آزرده شده بود و افکار جمعی ایشان خواستار ایجاد فضای امن برای علویان بود.

ب) منزلت و جایگاه والای یحیی در قلوب شیعیان، هارون را از کشتن يك علوی دارای نفوذ و عظمت ((در حالی که به راحتی می توانست او را تحت مراقبت داشته باشد)) منع می کرد.

پ) گواهی مصعب زبیری، از اطرافیان هارون علیه یحیی و متهم کردن وی به خیانت، منجر به خشم هارون بر ضد یحیی شد. (37)

همان گونه که روشن است ادعاهای فوق از قوت علمی برخوردار نیست. دلیل اول و دوم بی اساس است، زیرا چنین ملاحظاتی خلفای عباسی را از تعرض به علویان باز نداشت و دلایلی که هارون را به این نتیجه رسانده باشد، در تاریخ یافت نمی گردد. شهادت مصعب زبیری دلیلی بر خلاف نظر دکتر لیثی است، زیرا همان گونه که دکتر لیثی مآورد، یحیی خواستار قسم خوردن مصعب در صورت ایمان داشتن به صدق گفتارش می گردد. مصعب آن را رد می کند، ولی هارون او را مجبور به قسم خوردن می کند. مورخانی چون طبری، مسعودی و اصفهانی نقل می کنند که در همان روز به خاطر شهادت دروغ، مصعب فلج یا جزامی شد و مرد و حتی خاک نعش مصعب را قبول نکرد. (38) با این حال چگونه هارون به دروغ مصعب پی نبرد و به این سعایت ترتیب اثر داد؟! مضافاً بر این قیام ادريس بن عبدالله، برادر یحیی در مغرب در سال 172 ه.ق و توفیق او در تشکیل حکومت در سال 176 اقدام هارون در قتل یحیی را برای مبارزه با خطر رو به گسترش علویان توجیه می کند. (39) واقعیت مطلب، قول اصفهانی است که ((ان الرشید لم یکن صادقاً فیما ابداه من مشاعر نحو یحیی... و انھا کانت مداهنه و لیست مسالمة... و فی نفسه الحیلة علی یحیی... و طلب العلیل علیه و علی اصحابه.)) (40)

11- ((فکان الفضل بن سهل وزیر المأمون شیعیاً... ان الطاهرین کانوا کلهم شیعه.)) (41)

راجع به تشیع فضل بن سهل مستند قوی وجود ندارد، حتی در اعیان الشیعه (42) نام فضل بن سهل یافت نمی شود.

(43) نیز روایت تشیع طاهریان مأخوذ از ابن اثیر است. در مقابل این نظر روایات زیادی وجود دارد که اساس این نظر را متزلزل می کند.

ابن اثیر در نقل ماجرای تغییر لباس مأمون از سبز به سیاه (شعار عباسیان) به نقش برجسته طاهر اشاره می کند. (44) در رجال کشی نیز به تبعید فضل بن شاذان متکلم برجسته شیعه توسط عبدالله بن طاهر و شکنجه و کشتن ابویحیی احمد بن داود جرجانی از علمای برجسته امامیه توسط محمد بن طاهر اشاره شده است. (45) همچنین ابن اسفندیار معتقد است: ((... طالبیه با اولاد طاهر بن الحسین همیشه بد بوده اند، به سبب کشتن محمد بن عبدالله بن طاهر یحیی بن عمر را به کوفه)). (46)

12- دکتر لیثی در ماجرای بیعت علی بن موسی (ع) با مأمون به نقل از مسعودی در مروج الذهب آورده است: ((عقد المامون العزم علی ان یعهد بولایه العهد للامام علی الرضا فیعت بعض رجاله... لاستدعا علی الرضا. فاستجاب لمدعوه و رحل هو و بعض العلویین الی مرو حیث اصبحوا موضع حفاوه و تکریم)). (47)

متن مروج الذهب این گونه است: ((فی سنه... بعث المأمون... الی علی بن موسی... لاشخاصه، فحمل الیه مکرما)). (48)

دکتر لیثی عملاً با تحریف متن مروج الذهب و به کارگیری کلمات ((لاستدعا... فاستجاب)) به ذهن خواننده چنین می نماید که مأمون، علی بن موسی الرضا(ع) را دعوت به ولیعهدی کرده (لاستدعا) و امام رضا(ع) با میل و رغبت (فاستجاب) چنین دعوتی را قبول کرده، در حالی که عبارت مروج الذهب ((لاشخاصه، فحمل الیه)) (49) است که متضمن چنین معنایی نیست.

کتاب جهادالشیعه با توجه به کاستی های فوق از مزایا و ویژگی های منحصر به فردی نیز برخوردار است. قوت و استحکام علمی، تحلیل دقیق داده ها و چینش منطقی آن در بازآفرینی تاریخ حرکت ها و نهضت های شیعی در بستر حیات سیاسی، دینی و فکری جهان اسلام (در عصر اول عباسی) با نثری روان و گویا از جمله این مزایا می باشد. موضوعی که نقش و اهمیت فراوان در تحولات قرون نخستین اسلامی دارد و پژوهش مستقل و عمیق در آن تاکنون مورد غفلت پژوهشگران تاریخ اسلام قرار گرفته است.

منابع

- ابن اثیر، علی بن ابی الکرام الشیبانی، الکامل فی التاریخ، (9 جلد)، چاپ اول (بی جا، موسسه التاریخ العربی، 1994م).
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، چاپ اول (بی جا، بی نا، بی تا).
- ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین قمی، معانی الاخبار، ترجمه عبدالعلی محمد بن شاهرودی، چاپ اول (بی جا، دارالکتب الاسلامیه، 1372).
- ابن الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبای، الفخری فی الاداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، چاپ اول، (بی جا، منشورات الرضی، 1414 ق).
- ابوزهره، محمد، الامام زید، چاپ اول (بی جا، المكتبه الاسلامیه، 1378 ق).
- احمد الامینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنة و الادب، چاپ اول (بی جا، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، 1995 م، 1416 هـ).
- الاصفهانی، ابی الفرخ، مقاتل الطالبیین، شرح و تحقیق احمد صفر، چاپ اول (بی جا، منشورات الشریف الرضی، 1414 هـ).
- امین، محسن، اعیان الشیعه، (11 جلد)، حقه و اخرجه حسن امین، چاپ اول (بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا).
- البغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، (24 ج)، دراسه و تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول (بیروت، منشورات دارالکتب العلمیه، 1417 هـ - 1997 م).
- الخربوطلی، علی حسن، الدوله العربیه الاسلامیه، چاپ اول (قاهره، دار احیا الکتب العربیه، 1380 ش، 1960 م).
- دونالدسن، دوایت، عقیده الشیعه، تعریف ع.م، چاپ دوم (بیروت، موسسه المفید، 1410 هـ . 1990 م).
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، چاپ پنجم، (تهران، انتشارات امیرکبیر، 1368م).
- السالوس، علی احمد، مع الاثنی عشریه فی الاصول و الفروع، (4 ج)، چاپ اول (بی جا، دارالتقوی، 1997م - 1417 هـ).
- شریفی، محمود و...، موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، چاپ اول (بی جا، معهد تحقیقات باقرالعلوم، موسسه

- الهادی، 1415 ق).
 - الطبری، محمد بن جریر، الامم و الملوك، (11 ج)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول (بی جا، رواتع التراث العربی، بی تا).
 - الطوسی، محمد بن الحسن بن علی، اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی، صححه حسن المصطفوی، چاپ اول (بی جا، بی تا، بی تا).
 - العطاردی، عزیزالله، مسند الامام کاظم (ع)، چاپ اول، (بی جا، الموتر للامام الرضا(ع)، 1409 ق).
 - القزوينی، امیر محمد، التشیع (نشووه - مراحلہ - مقوماته)، چاپ ششم، (دمشق، دارالصباغ، 1417 ق).
 - القفازي، ناصر بن عبدالله، اصول مذهب الشيعة الاماميه الاثني عشرية، (3 ج)، چاپ دوم (بی جا، بی تا، 1994 م، 1415 ه).
 - کلینی، محمد بن ابی یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، (4 ج)، (چاپ اول)، (بی جا، انتشارات گلگشت، 1375).
 - المجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم (بیروت، دار احیا التراث العربی، 1403 ه، 1983 م).
 - مختار اللیثی، سمیرہ، جهاد الشیعه فی العصر العباسی الاول، چاپ اول (بی جا، نشر البطحا، 1363 ش).
 - المسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، (4 ج)، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، چاپ چهارم، (قاہرہ، بی تا، 1385 ه، 1965 م).
 - المظفر، محمدرضا، عقائد الاماميه، تحقیق محمد جواد الطریحی، چاپ اول (بی جا، مؤسسه الامام علی(ع)، 1417 ه).
 - مغنیہ، محمد جواد، الشیعه فی المیزان، چاپ دهم، (بیروت، دارالجواد، 1989 م، 1409 ه).
 - مونس، حسین، اطلس تاریخ اسلام، چاپ اول (بی جا، الزهرا بعد للإعلام العربی، 1987 م).

پی نوشت ها

- *. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی - دانشگاه شهید بهشتی.
 1. سمیرہ مختارالیثی، جهاد الشیعه فی العصر العباسی الاول، (بی جا، نشر البطحا، 1363 ش).
 2. دکتر لیثی دارای لیسانس آداب و تربیت و فوق لیسانس و دکتری در تاریخ اسلام از دانشگاه عین شمس مصر است.
 3. دیدگاه دکتر لیثی که بر تمام کتاب سابه افکنده، دقیقاً دیدگاه شیعیان زیدی است و غالب شیعیان به جهاد به این دید نگاه نمی کنند.
 4. دکتر لیثی از 169 منبع عربی، سی منبع انگلیسی، نوزده منبع اروپایی ترجمه شده به عربی و چهارده کتاب خطی در نگارش کتاب استفاده کرده است؛ جهاد الشیعه، ص 402 - 414.
 5. ر.ک: امیر محمد القزوينی؛ التشیع (نشووه - مراحلہ - مقوماته)، چاپ ششم، (دمشق، دارالصباغ، 1417) ج 6؛ همچنین علی احمد السالوس؛ مع الاثني عشرية فی الاصول و الفروع؛ چاپ اول (بی جا، دارالتقوی، 1997 م - 1417 ه) ج 1، ص 38 و 39.
 6. فقال اهل الكوفة لوالیهم (عباس بن موسی): ((ان كنت تدعو للمامون ثم من بعده لاختیک، فلا حاجه لنا فی دعوتك و ان كنت تدعوا الی اختیک، او بعض اهل بیتك او الی نفسك اجنباك))؛ ر.ک: محمد بن جریر الطبری؛ الامم و الملوك، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول (بی جا، رواتع التراث العربی، بی تا) ج 7، ص 144.
 7. جهاد الشیعه، ص 54، 56 و 57.
 8. همان، ص 57.
 9. ر.ک: حسین مونس، اطلس تاریخ اسلام؛ چاپ اول (بی جا، الزهرا بعد للإعلام العربی، 1987 م) ص 85.
 10. جهاد الشیعه، ص 60.
 11. همان، ص 101.
 12. ر.ک: الامم و الملوك، ج 7، ص 363 - 367 و 377 - 385 و 479 - 494؛ همچنین: محمد بن علی بن طباطبا المعروف بابن الطقطقی، الفخری فی الاداب السلطانیه و الدول الاسلامیه؛ چاپ اول (بی جا، منشورات الرضی، 1414 ق / 1372 ش) ص 168 - 171؛ همچنین احمد بن علی الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، دراسه و تحقیق مصطفی عبدالقادر عطار، چاپ اول (بیروت، منشورات دارالکتب العلمیه، 1417 ق/1997 م) ج 10، ص 205 - 209.
 13. الامم و الملوك، ج 7، ص 491.
 14. الفخری، ص 168 - 171.
 15. هاشمیه، راوندیه و کفیه از اعرابی اند که نقش اساسی در نهضت عباسیان داشتند. ر.ک: عبدالحسین زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، چاپ پنجم (تهران، انتشارات امیرکبیر، 1368 ش) ص 391.
 16. همان، ص 392، 393، 370.
 17. جهاد الشیعه، ص 67.
 18. علی حسن الخربوطلی، الدوله العربیه الاسلامیه، چاپ اول (قاہرہ، دار احیا الکتب العربیه، 1380 ش/1960 م) ص 189، 190.
 19. همان، ص 190؛ جهاد الشیعه، ص 67.
 20. علی بن الحسین المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، چاپ چهارم (قاہرہ، بی تا، 1385 ه / 1965 م) ج 3، ص 24 و 25؛ علی بن ابی الکرام الشیبانی المعروف بابن اثیر، الكامل فی

- التاريخ، چاپ اول (بی جا، موسسه التاريخ العربی، 1994م) ج2، ص 523.
21. ر.ك: محمود شریفی، سید حسین زینالی و...، موسوعه كلمات الامام الحسين(ع)، چاپ اول (بی جا، معهد تحقیقات باقرالعلوم(ع)، موسسه الهادی، 1415 ق).
22. جهاد الشیعه، ص 91.
23. محمد ابوزهره، الامام زید، چاپ اول (بی جا، المكتبه الاسلامیه، 1378 ش) ص 186 و 187.
24. جهاد الشیعه، ص 192.
25. الرجعه من نوع المعاد الجسمانی فان معنی التناسخ هو انتقال النفس من بدن الی بدن آخر منفصل عن الاول. فان معناه رجوع نفس البدن الاول بمشخصاته النفسیه فکذلك الرجعه. ر.ك: محمدرضا المظفر، عقائد الامامیه، تحقیق محمد جواد الطریحی، چاپ اول (بی جا، موسسه الامام علی(ع)، 1417 ق) ص 338 به بعد.
26. ان الله تعالی قد يظهر شیئا علی لسان نبیه او ولیه فی ظاهر الحال لمصلحه تقتضی ذلك الاظهار ثم یحوه فیکون غیر ما قد ظهر اولاً. ر.ك: عقائد الامامیه، ص 272 مع الاثنی عشریه فی الاصول و الفروع، ص 312 به بعد.
27. در کتاب اصول کافی، قدیمی ترین متن روایی شیعه، یازده روایت از امام صادق(ع)، در بدای نقل گردیده است؛ ر.ك: محمد بن ابی یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه حاج سید جواد مصطفوی، چاپ اول (بی جا، انتشارات گلگشت، 1375) ج 1، ص 200؛ محمدباقرالمجلسی، بحار الانوار، چاپ دوم (بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق / 1983 م) ج 53، ص 39 به بعد.
28. جهاد الشیعه، ص 199.
29. ((ان الخلیفه الهادی ابدی حزنه لمقتل الحسين بن علی و انزل سخطه علی الذین دخلوا علیه مستبشرین...)) ر.ك: همان، ص 269.
30. همان، ص 270.
31. ر.ك: عبدالحسین احمد الامینی، الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب، چاپ اول (بی جا، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، 1995م / 1416ق)؛ محمد جواد مغنیه، الشیعه فی المیزان، چاپ دهم (بیروت، دارالاجواد، 1989 م / 1409 ق).
32. قال علی بن الحسين(ع): الامام منا لا یكون الا معصوما و لیست العصمه فی ظاهر الخلقه فیعرف بها فلذلك لا یكون الا منصوباً... المعصوم هو من اعتصم بحبل الله و حبل الله هو القرآن. ر.ك: محمد بن علی بن الحسين قمی المعروف بابن بابویه، معانی الاخبار، ترجمه عبدالعلی محمد بن شاهرودی، چاپ اول (بی جا، دارالکتب الاسلامیه، 1372ش)؛ بحار الانوار، ج 25، ص 194.
33. ر.ك: اصول کافی، ج 1، ص 185؛ برای آشنایی با دیدگاههای مخالفان نظریه عصمت، ر.ك: ناصر بن عبدالله القفازی، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، چاپ دوم (بی جا، بی نا، 1994 م / 1415ق) ج2، ص 775 به بعد.
34. جهاد الشیعه، ص 251، 306.
35. ر.ك: عزیز الله العطاردی، مسند الامام کاظم(ع)، چاپ اول (بی جا، المؤتمر العالمی للامام الرضا(ع)، 1409 ق).
36. حتی ان الراوی اذا روی الحدیث عنه [الامام کاظم(ع)] لا یسندہ الیه بصریح اسمه..... ر.ك: جهاد الشیعه، ص 300.
37. همان، ص 286 - 290.
38. همان، ص 291.
39. همان، ص 295.
40. ابی الفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبیین، شرح و تحقیق، احمد صقر، چاپ اول (بی جا، منشورات الشریف الرضی، 1414 ق) ص 394.
41. دکتر لیثی این مطلب را از کتاب عقیده الشیعه دونلدسن نقل کرده است، نه از منابع دست اول تاریخی. دکتر دونلدسن مستنداتی برای ادعای خود ذکر نکرده است. ر.ك: جهاد الشیعه، ص 352 - 356؛ دواپت. م دونلدسن، عقیده الشیعه، تعریف ع. م، چاپ دوم (بیروت، موسسه المفید، 1410 ق / 1990 م) ص 170 - 171.
42. ملاک های شیعی بودن در کتاب اعیان الشیعه بسیار مسامحاً میز است، به طوری که بسیاری از رجال و مشاهیر اهل تسنن نیز در این کتاب در جرگه شیعیان قرار گرفته اند.
43. ر.ك: محسن امین، اعیان الشیعه، حقیقه و اخرجه حسن امین، چاپ اول (بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا).
44. و قیل انه امر طاهر بن الحسين ان یناله حوائجه فکان اول حاجه ساله ان ینس السواد؛ فاجابه الی ذلك. ر.ك: الكامل فی التاريخ، ج4، ص 182.
45. محمد بن الحسن بن علی الطوسی، اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی، صححه حسن المصطفوی، چاپ اول (بی جا، بی نا، بی تا) ص 539.
46. محمد بن حسن بن اسفندیار، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، چاپ اول (بی جا، بی نا، بی تا) ص 238.
47. جهاد الشیعه، ص 354.
48. ... که او را [علی بن موسی(ع)] بیاورد و او را محترمانه پیش ما مومن بردند.